

ادراک داغ مکانی؛ استراتژی‌های مواجهه (مورد مطالعه: ساکنین مناطق کم‌برخوردار شهر مشهد)

مهلا محمدی^۱، حسین اکبری^۲، مجید فولادیان^۳

چکیده

سکونت در مناطق کم‌برخوردار شهری ساکنین آن را با داغ‌نگ مکانی و پیامدهای منفی بی‌شمار مواجهه می‌سازد، بنابراین افراد به اتخاذ استراتژی‌هایی برای مقابله با داغ‌نگ می‌پردازند. از این رو هدف از انجام این تحقیق مطالعه ادراک ساکنین مناطق کم‌برخوردار شهر مشهد از داغ‌نگ مکانی و استراتژی‌های این افراد جهت مواجهه با آن است. به منظور فایده‌مندی شناختی از نظریه داغ‌نگ گافمن و داغ‌نگ مکانی واکوانت استفاده شد. این مطالعه به روش کیفی، مبتنی بر شیوه نمونه‌گیری هدفمند با بهره‌گیری از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته بر روی جامعه هدف ساکنین ۶ منطقه کم‌برخوردار شهر مشهد انجام شد. حجم نمونه براساس قاعده اشباع اطلاعاتی پس از ۲۰ مصاحبه حاصل شد. تحلیل داده با تکنیک تحلیل مضمون شش مرحله‌ای براون و کلارک پیش برده شد. یافته‌های حاصل از مصاحبه با ساکنین مناطق کم‌برخوردار شهر مشهد نشان داد این افراد داغ‌نگ مکانی را به دو صورت احساس شده، از طریق برچسب‌هایی چون بی‌نظمی ظاهری، فرومایه، انحرافی، هراس‌آور، سرمایه‌های فرومایه، و تجربه شده از طریق تجربه برچسب کلامی، تجربه اختلال در ارتباط و تجربه کنش‌های فرومایه ادراک کرده بودند. تجربه و ادراک داغ‌نگ مکانی موجب شد تا افراد استراتژی‌هایی جهت مواجهه با داغ‌نگ بکار گیرند؛

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

mahla.mohammadi@mail.um.ac.ir

۲- دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران (نویسنده مسؤل) h-akbari@um.ac.ir

۳- دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران fouladiyan@um.ac.ir

از این رو تلاش داشتند جهت مواجهه با داغ‌ننگ بی‌اعتباری از استراتژی‌های برهم‌کنشی مانند مطروودیت اجتماعی، اقناع اجتماعی، تکانشی محور، همگون‌سازی که رویکرد تعاملی محور داشته و استراتژی‌های غیر برهم‌کنشی مانند انفعالی، گذر موقعیتی که فاقد رویکرد تعاملی محور است استفاده نمایند و جهت مواجهه با داغ‌ننگ احتمال بی‌اعتباری از استراتژی‌های پنهان‌سازی و انطباق‌سازی (مانند انطباق ظاهری، پنداری، گفتاری، کرداری) جهت جلوگیری از بی‌اعتبار شدن و آشکار شدن داغ‌ننگ خود، استفاده کنند.

واژه‌های کلیدی: ادراک داغ مکانی، استراتژی‌های مواجهه، داغ‌ننگ بی‌اعتباری، داغ‌ننگ احتمال بی‌اعتباری.

بیان مسئله

شهرها ساختار پیچیده‌ای از لایه‌ها و عناصری هستند که در تعامل با یکدیگر، شهر را شکل می‌دهند. مدیریت شهرها به‌سوی الگوی مدرن با حکومت نظم فضایی متمایل است، اما عدم توازن در ترکیب این عناصر، شهر را با چالش‌هایی روبرو می‌کند (اکبری، ۱۳۹۴: ۴۴). داغ‌ننگ یکی از عناصر قدرتمند در برهم‌زدن تعادل شهری که با ایجاد ترکیبی غیرسازنده، ترکیب متقابل عناصر را بی‌سامان می‌کند. محله‌های حاشیه‌نشین عناصری هستند که با داغ‌ننگ آمیخته بوده و نماینده ناهنجاری‌های شهری و تهدیدی برای شهر در نظر گرفته می‌شوند و در ادراک عمومی همراه با جنایت هستند. این دیدگاه باعث فرسودگی و زوال مداوم مناطق حاشیه‌ای و شکل‌گیری داغ‌ننگ مکانی^۱ می‌شود (مندس و ایسودا^۲، ۲۰۲۱).

بنابراین از جمله صفت‌های مغایر با انتظارات هنجاری، زندگی در محلات حاشیه‌ای است که افراد را با داغ‌ننگ مکان^۳ مواجهه ساخته و در دسته رانده‌شدگان شهری^۴ قرار می‌دهد (واکوانت^۵، ۲۰۰۸). این فضاها از دسترسی به خدمات شهری محروم بوده و با

¹ Place based stigma

² Mendez & Isoda

³ Territorial Stigmatization

⁴ Urban outcasts

⁵ Wacquant

آسیب‌هایی چون اعتیاد و فقر (فولادیان و رضایی بحرآبادی، ۱۳۹۸) مواجهه هستند و داغ‌ننگ مکانی انباشتی بر سایر آسیب‌ها بوده و آنان را با محرومیت از روابط فرامحلی و محدودشدن به روابط درون محله‌ای که مانع اساسی بر دسترسی به خدمات است، مواجهه می‌سازد (واکوانت، ۲۰۰۸). محرومیت از خدمات نیز سبب ترویج داغ‌ننگ شده و با ایجاد محلاتی خارج از محدوده مدرن شهری، شکاف‌های نمادین بین مناطق شهری را تشدید می‌کند و با انزوای و گسست اجتماعی و فضایی محلات شهری و ساکنین آن همراه است (بامان و یاکوبی^۱، ۲۰۲۲؛ سراوی^۲، ۲۰۱۵).

علاوه بر این، فضای زندگی محله و شهر، نقش مهمی در شکل‌دهی هویت افراد ایفا می‌کنند (اکبری، ۱۳۹۴: ۳۸). داغ‌ننگ مکانی با ویژگی‌های منفی تهدیدی برای هویت محله‌ای و شهری افراد ایجاد می‌کند (رس و ازل^۳، ۱۹۹۶؛ بنایتو^۴ و همکاران، ۱۹۹۶). این تهدید می‌تواند احساس مثبت افراد را نابود کند و ظرفیت کنشگری آن‌ها را کاهش دهد (واکوانت و همکاران، ۲۰۱۴). اثرات منفی داغ‌ننگ مکانی ماهیت تداومی دارند و با تحرک اجتماعی افراد به مناطق دیگر شهری همچنان ادامه می‌یابند و با تغییر تعاملات اجتماعی، موقعیت‌های استرس‌زا در زندگی ایجاد می‌کنند. در نتیجه، حتی با تغییر ویژگی‌های منفی و ترک محله داغ‌ننگ شده، تأثیرات منفی آن همچنان جاری است (بورن^۵، ۲۰۲۳).

کشور ایران همسو با روند جهانی، در معرض رشد شهرنشینی و به تبع آن بروز پدیده حاشیه‌نشینی است. شهر مشهد به‌عنوان یکی از کلان‌شهرهای ایران، دارای پهنه‌های وسیع حاشیه‌نشین است و تعداد ۴۲ محله از ۱۶۶ محله آن به حاشیه شهر اختصاص داشته است (مرکز آمار، ۱۳۸۵) و مطابق با سرشماری سال ۱۳۹۵ حدود یک‌سوم از کل جمعیت شهر مشهد در نواحی حاشیه این شهر سکونت داشته‌اند (اکبری و حیدری، ۱۳۹۸: ۵۶). ساختار حاشیه شهر مشهد به‌گونه‌ای است که با تمرکز آسیب‌ها، جرایم

¹ Baumann & Yacobi

² Saraví

³ Ross & Uzzell

⁴ Bonaiuto

⁵ Born

اجتماعی و فقر اقتصادی روبرو است و نوعی شکاف کالبدی بین مناطق برخوردار و حاشیه شهر را ایجاد کرده است (اکبری، ۱۳۹۵) که این می‌تواند این سکونتگاه‌ها را با داغ‌ننگ مکانی روبرو سازد.

باتوجه به پیامدهای متعدد داغ‌ننگ برای ساکنین محلات حاشیه‌نشین و جدید بودن موضوع در محافل علمی داخلی، لازم است به مطالعه در خصوص داغ‌ننگ مکانی پرداخت. طبق بررسی‌های انجام شده در پایگاه‌های معتبر داخلی، مطالعاتی که در ارتباط با ساکنین سکونتگاه‌های کم‌برخوردار صورت گرفته‌است، عمدتاً به مسئله طرد آنان پرداخته‌اند (شالچی و قلی‌زاده، ۱۳۹۷؛ محمدی و همکاران، ۱۳۹۷)، مطالعاتی هم که در ارتباط با استراتژی‌های مواجهه با داغ‌ننگ صورت گرفته‌است در خصوص دیگر آسیب‌های اجتماعی بوده‌است (بابایی فرد و حبیبی‌راد، ۱۳۹۷؛ میرحسینی و ابراهیمی، ۱۳۹۸) و در زمینه مواجهه با داغ‌ننگ مکانی یا حاشیه‌نشینی مطالعه‌ای یافت نشد. در کشورهای دیگر نیز پژوهش‌های محدودی پیرامون استراتژی‌های مواجهه ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی صورت گرفته‌است (تاکاهاشی^۱، ۲۰۰۲؛ کرتن و پاول^۲، ۲۰۱۸) و عمده پژوهش‌ها به استراتژی‌های مواجهه دیگر گروه‌های هدف اختصاص داشته‌است (ایساکسون^۳ و همکاران، ۲۰۱۸؛ شی^۴ و همکاران، ۲۰۲۱، لوین و بام^۵، ۲۰۲۱). به این ترتیب تحقیق حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که ساکنین مناطق کم‌برخوردار شهر مشهد چه داغ‌هایی را به دلیل سکونت در محلات حاشیه شهر ادراک می‌کنند و چه استراتژی‌هایی برای مواجهه با آن بکار می‌گیرند.

مفاهیم نظری حساسیت‌زا

داغ‌ننگ ابتدا به‌عنوان یک نماد فیزیکی بر روی بدن افراد صاحب ویژگی‌های منفی زده می‌شد تا دیگران از این افراد دوری کنند. این نماد نشان از ویژگی‌های نامطلوب فرد داشت و برای شناسایی و هشدار دادن به دیگران استفاده می‌شد (گافمن، ۱۳۸۶). گافمن

¹ Takahashi

² Cretan & Powl

³ Isaksson

⁴ Shi

⁵ Levin & Baum

در سال ۱۹۶۳ به این مفهوم پرداخت. وی داغ‌ننگ را ویژگی ناپسند و باعث بدنامی افراد دانست (گافمن، ۱۳۸۶: ۷۵). او بر این باور بود که داغ‌ننگ تجلی ویژگی منفی فرد است که در تعامل با دیگران آشکار می‌شود و باعث تخریب هویت و ارزش‌های فردی می‌شود. به عبارت دیگر، داغ‌ننگ فرد را به عنوان نمایان‌کننده اختلال و نقص در جامعه معرفی می‌کند (گافمن، ۱۳۸۶). لینک و فلن^۱ (۲۰۰۱: ۳۷۱) نیز داغ‌ننگ را ترکیبی از اعمال برچسب‌گذاری منفی به ویژگی‌های ناسازگار با انتظارات اجتماعی و کلیشه‌های اجتماعی می‌دانند؛ بنابراین می‌توان برخی ویژگی‌های منفی در ساختار ارزشی جامعه را در ذیل نمادهای داغ‌ننگ دانست که با انتقال اطلاعات گوناگون از فرد، باعث بازنمایی تصویری انحرافی از فرد می‌شود و گواهی بر وضعیت انحرافی و ناهم‌نوای افراد است (گافمن، ۱۳۸۶: ۹۴).

سکونت در سکونتگاه‌های حاشیه‌ای به دلیل انحراف از هنجارهای رایج زندگی شهری، به عنوان نماد داغ‌ننگ محسوب می‌شود. نظریه داغ‌ننگ مکانی واکوانت (۲۰۰۸) ادعا داشت تجربه سکونت در محلات در حال زوال و تحقیرآمیز که ناشی از انباشتی از جنایت، بی‌قانونی و انحطاط اخلاقی در مقایسه با سایر مکان‌هاست، زمینه‌ساز شکل‌گیری نوعی گفتمان تحقیرآمیز و داغ مکانی است (واکوانت، ۲۰۰۸: ۱۹۰). واکوانت حاصل داغ‌ننگ مکانی را پدیدآمدن طبقه فرودست شهری دانست که با طرد از جریان اصلی جامعه و انتقال به حاشیه روبرو هستند (واکوانت، ۲۰۰۸). وی ادعا داشت داغ‌ننگ مکانی نوعی مرزبندی نمادین بین محلات شهری ایجاد می‌کند که از بطن آن مرزبندی اجتماعی شکل می‌گیرد و حاصل آن تداوم حاشیه‌نشینی و انقطاع یکپارچگی اجتماعی و فضایی شهر و شهروندان است (واکوانت، ۲۰۰۷). این مفهوم به مناطقی از جغرافیای شهری با ویژگی اصلی فقر اشاره دارد که پیوند ساکنین با ویژگی فقر اقتصادی زمینه‌ساز جداسازی آنان را از سایر بافت‌های شهری ایجاد می‌کند (واکوانت، ۲۰۰۸). به موجب برخورداری از ویژگی منفی و شکل‌گیری داغ‌ننگ، افراد به دو صورت کلی آن را ادراک می‌کنند؛

^۱ Link & Phelan

احساس شده^۱ یا تجربه شده (اسکامبلر^۲، ۱۹۸۴؛ روتر^۳ و همکاران، ۲۰۰۶). داغ‌ننگ احساس شده انتظار در مورد ایجاد داغ‌ننگ و پیش‌بینی رفتارهای داغ‌ننگ است. در این نوع، افراد داغ‌ننگ را به صورت مستقیم تجربه نکرده‌اند؛ بلکه تنها احساس می‌کنند که نگرش‌های دیگران در مورد آنان چه خواهد بود (یونیون و ارشائو، ۲۰۱۳). داغ‌ننگ تجربه شده با تجربه کنش‌ها و گفتارهای آشکار دیگران و بازنمایی در رسانه رخ می‌دهد و با دریافت مستقیم برچسب، اختلال در روابط اجتماعی و واکنش‌های منفی دیگران به علت برخورداری از ویژگی منفی همراه است (روتر و همکاران، ۲۰۰۶؛ انگلس^۴ و همکاران، ۲۰۰۹).

پس از اعمال داغ‌ننگ، افراد براساس برچسبی که به آنان تعلق یافته، مورد واکنش قرار می‌گیرند و هویت داغ‌شده آنان مبنای تعامل با دیگران می‌شود. از این رو بحث مدیریت هویت و پاسخ به داغ‌ننگ آغاز می‌شود (لینک و فلن، ۲۰۰۱: ۳۶۷). مدیریت داغ‌ننگ ارتباط مستقیمی به نوع آن دارد؛ داغ‌ننگ آشکار شده (بی‌اعتبار) در مقابل غیرآشکار (احتمال بی‌اعتبار) (گافمن، ۱۳۸۶: ۹۲). لینک و همکاران (۱۹۹۱) سه استراتژی پنهان‌سازی، آگاه‌سازی دیگران و به چالش کشیدن دیگران، جهت مواجهه با داغ‌ننگ بیان کردند. گرین^۵ (۲۰۰۵) واکنش فعال و منفعل را یاد می‌کند که در نوع فعال فرد با داغ‌ننگ مقابله می‌کند. روتر و همکاران (۲۰۰۹) اشاره داشتند برخی افراد به مقابله مستقیم پرداخته و بی‌توجهی به رفتارهای دیگران نشان می‌دهند و برخی به انزوا می‌روند. ویتز^۶ (۱۹۹۱) در خصوص واکنش فعال اقداماتی جهت کسب مهارت که منجر به حذف داغ شود را مطرح می‌کند. واکوانت (۲۰۰۸: ۱۸۳) و کین و پادیللا^۷ (۲۰۱۱: ۱۲۱۹)

^۱ Felt stigma

^۲ Scambler

^۳ Reutter

^۴ Inglis

^۵ Green

^۶ Weitz

^۷ Keene & Padila

استراتژی‌های فاصله‌گذاری متقابل^۱، اظهار بی‌تفاوتی، دفاع از محله، انزوا و خروج از محله، پنهان‌سازی و انکار تعلق به محله را مطرح می‌کنند.

بدین ترتیب سکونت در مناطق کم‌برخوردار و حاشیه شهر، به دلیل محرومیت از زیرساخت‌های شهری و وجود آسیب‌های اجتماعی، به‌عنوان یک ویژگی اجتماعی پایین‌رتبه در نظام ارزشی جامعه شناخته می‌شوند. این مناطق شهری حامل معنای تحقیرآمیز با بار منفی شدید بوده و ساکنین آن با داغ‌ننگ مکانی روبرو می‌شوند. به تبع اعمال داغ‌ننگ این افراد پیامدهای منفی گوناگونی را تجربه می‌کنند که در چنین شرایطی اهمیت مقابله با داغ‌ننگ مطرح می‌شود. این افراد باید رفتارهای خود را با دقت تنظیم کنند تا در موقعیت‌های ارتباطی با سایر ساکنان شهر به مسائلی مانند بی‌اعتباری مقابله کنند و از گسست‌های اجتماعی-فضایی ناشی از داغ‌ننگ جلوگیری کنند.

پیشینه تحقیق

باتوجه به فقدان ادبیات داخلی در این حوزه، به ادبیات انجام شده در خارج کشور در خصوص تجربه و ادراک داغ‌ننگ مکانی پرداخته می‌شود. کین و پادایلا (۲۰۱۰) در مطالعه خود پیرامون افراد مهاجر بیان کردند که این افراد با وجود تغییر مبدأ، و سکونت در مقصد جدید، با داغ‌ننگ مکانی ناشی از منطقه سکونت مبدأ و نوع نژاد مواجهه می‌شوند. نیر^۲ (۲۰۱۳) بیان کرد انگ مکانی به برخی محلات شهری، محلات را قطب جنایت و انحرافات معرفی کند. درعین حال ترکیب این ویژگی‌ها با فقر موجب می‌شود افراد از طریق رفتارها و عقاید دیگران، داغ‌ننگ را ادراک کنند (انگلس و همکاران، ۲۰۱۹). مطالعه گانگولی^۳ (۲۰۱۸) بر روی کاست‌های هند نشان داد آنان در فضاهایی ساکن هستند که از نظر اجتماعی و فضایی از سایر محلات جدا شده و به شیوه‌های مختلف مانند رفتارهای تبعیض‌آمیز، داغ‌ننگ را تجربه کردند. مایر^۴ و همکاران (۲۰۱۶) در مطالعه خود نشان دادند که داغ اجتماعی-فضایی وسیله‌ای برای تمایز افراد و مکان‌ها

^۱ Mutual distancing

^۲ Nir

^۳ Ganguly

^۴ Meyer

بوده که توسط ساکنین این مناطق خصوصاً جوانان به ادراک رسیده و ارتباط آنان را به دیگران متأثر ساخته بود. در مطالعه گراهام^۱ و همکاران (۲۰۱۶) سکونت در فضای خاص شهری با بازنمایی ویژگی‌های منفی و تأثیر منفی بر نگرش و ادراک دیگران همراه است.

استراتژی مواجهه. در مطالعات انجام شده استراتژی‌های مواجهه داغ‌نگ در دودسته برهم‌کنشی و غیر برهم‌کنشی قرار دارد. از رایج‌ترین استراتژی‌هایی برهم‌کنشی فاصله‌گذاری است. در مطالعه گانگولی (۲۰۱۸) افراد با فاصله‌گذاری درون محله خود و جداسازی خود از سایر افراد محله سعی داشتند خود را متمایز و حامل ویژگی‌های مثبت جلوه دهند. در مطالعه مایر و همکاران (۲۰۱۶) استراتژی فاصله‌گذاری با سایر افراد محله و متمایز دانستن خود و نسبت‌دادن داغ‌نگ به سایر افراد گزارش شد. در مطالعه گراهان^۲ و همکاران (۲۰۱۶: ۶) افراد با آگاهی از ویژگی‌های منفی محله خود تلاش داشتند خود را فاقد آن ویژگی‌ها نشان دهند و با نوعی فاصله‌گذاری نمادین بین خود و دیگر افراد محله، متمایز بودن خود را نشان دهند. در مطالعه جنسن و کریستین (۲۰۲۱) افراد ساکنین محلات خود را در دودسته خوب و بد تفکیک کرده و خود را به متعلق به دسته خوب دانسته و به این صورت تلاش دارند تا داغ‌نگ را متوجه گروه خاصی از افراد محله کنند و خود را متمایز از آنان و فاقد داغ‌نگ جلوه دهند.

هالیدی^۳ و همکاران (۲۰۲۱) در یک مطالعه مروری، دو استراتژی مقاومت و تسلیم^۴ در برابر داغ‌نگ مکانی بیان کردند. در استراتژی تسلیم افراد به پنهان‌سازی، انزوا و عدم ارتباط با ساکنین محله‌های فرادست شهری پرداختند. در استراتژی مقاومت افراد می‌توانند به وارونگی داغ‌نگ بپردازند؛ بدین معنا که داغ‌نگ را وسیله‌ای برای تقویت هویت خود و یا شهادی بر توانایی زندگی کردن در شرایط دشوار دانستند. در نوعی دیگر افراد داغ‌نگ را به چالش کشیده و تلاش داشتند تا روایت‌های مثبت از محله

¹ Graham

² Graham

³ Halliday

⁴ Submission

زندگی خود را نشان دهند و شهرت منفی محله را تغییر دهند (هالیدی و همکاران، ۲۰۲۱) گانگولی (۲۰۱۸) نیز فاش نکردن هویت خود و نهان کردن محله زندگی را راهی برای مواجهه با داغ‌ننگ دانست. علاوه بر این می‌توان کنشگری‌های اجتماعی گوناگون مانند مشارکت در فعالیت‌های مدنی و اجتماعی، وابستگی به جنبش‌های اجتماعی، مشارکت در گفتگو و گفت‌وگو عمومی برای به چالش کشیدن و مبارزه با کلیشه‌ها و برچسب‌های منفی را مجموعه استراتژی‌هایی برهم‌کنشی جهت مواجهه با داغ‌ننگ دانست (توماس^۱، ۲۰۱۶ به نقل از اسمت و کوزنیچ^۲، ۲۰۲۰).

روش تحقیق

باتوجه به اینکه داغ‌ننگ مکانی واقعیتی قابل مشاهده نیست که امکان اندازه‌گیری آن باشد، حاصل تعاملات و برساخت ذهنی و زبانی افراد است و فاقد اطلاعات مدون قبلی است، لازم است تا محقق به اذهان افراد مراجعه کرده تا بازنمایی ادراک داغ‌ننگ و استراتژی‌های مواجهه را از طریق معانی ذهنی افراد مطالعه کند؛ براین اساس تحقیق حاضر با روش کیفی و تکنیک مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت یافته و ابزار مصاحبه‌نامه محقق گردید. فرایند تهیه ابزار با مطالعه ادبیات، مصاحبه اکتشافی، رهنمودهای اساتید انجام شد. در مرحله اجرا با مراجعه به میدان، مواردی چون هدف تحقیق، اهمیت مشارکت پاسخگویان و رعایت محرمانگی برای افراد شرح داده شد. پس از اعلام رضایت مصاحبه‌ها حضوری انجام شد.

جامعه هدف مطالعه کلیه ساکنین مناطق کم‌برخوردار شهر مشهد در سال ۱۴۰۱ بودند که باتوجه به گزارش‌های شهرداری مناطق ۴، ۵، ۷، ۱۳، ۱۴ و ۱۵ به‌عنوان مناطق حاشیه نشین شناسایی شدند. حجم نمونه ۲۰ نفر بود که بر اساس قاعده اشباع انجام شد. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند بود و تلاش شد افرادی جهت مصاحبه انتخاب شوند که امکان پاسخگویی به سؤالات را داشته باشند. تنوع ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (سن، جنسیت، شغل، منطقه سکونت) نیز رعایت شد. تحلیل مصاحبه‌ها با روش تحلیل مضمون

¹ Thomas

² Smets & Kusenbach

شش مرحله‌ای براون و کلارک (۲۰۰۶) پیش رفت. اعتبار پژوهش از طریق الف) روش ارتباطی و مراجعه مجدد به پاسخگویان و ارائه شرحی از مصاحبه و کسب موافقت آنان با محتویات اظهاراتشان، ب) همزمانی کدگذاری و انجام مصاحبه‌ها و ج) مراجعه به اساتید متخصص جهت بررسی یافته‌ها حاصل شد.

یافته‌های تحقیق

۱- تجربه و ادراک داغ‌ننگ

داغ‌ننگ از سه مرحله برچسب، پاسخ و پیامد تشکیل شده‌است (محمدی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۹). در مرحله برچسب، ساکنین مناطق برخوردار شهر که با برخورداری از سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را طبقه مسلط شهر و صاحب برتری اجتماعی دانسته، ادراک وجه تمایز خود با ساکنین حاشیه شهر را در قالب برچسب و داغ‌ننگ بر ساخت می‌کنند که سبب می‌شود حاشیه‌نشینان در تعاملات خود داغ‌ننگ را تجربه کنند. داغ‌ننگ علاوه بر برچسب، بسیاری موارد از طریق کنش و رفتار اعمال می‌شود. به‌طورکلی ساکنین حاشیه شهر در دودسته احساس شده و تجربه شده داغ‌ننگ را تجربه کرده بودند.

جدول ۱. کدها و مضامین مستخرج به تفکیک نوع داغ‌ننگ

نوع داغ	مضمون	کد باز
احساس شده	بی‌نظمی ظاهری	کنیف
	فرومایه	پایین تر دیدن/ تعاملات سطح پایین/ بی‌ادب/ بی‌فرهنگ/ بی‌شخصیت/ کارگر/ کمتر از آدم بودن...
	انحرافی	خشن/ روحیه دعوآگری/ خلافتکار بودن
	هراس آور	عدم اعتماد/ ترسیدن/ احساس ناامنی
	سرمایه‌های فرومایه	داشتن طبقه اجتماعی پایین/ بی‌سواد/ فقر فرهنگی/ فقر مالی/ سطح پایین زندگی
تجربه شده	برچسب کلامی	برچسب پایین شهری، گشنه، فقیر، دهاتی، قلگی، بی‌فرهنگ، بلوچ، چلو، دزد و ... / لحن نامناسب

عدم برقراری رابطه دوستی / تمایل به جداسازی / قطع ارتباط / اجازه ندادن به ازدواج، استخدام و...	اختلال ارتباطی
رفتارهای توهین تمسخرآمیز / برخورد فاقد احترام / تغییرکردن رفتار با متوجه شدن محله سکونت / کتک زدن و...	کنش فرومایه

۱-۱- داغ‌نگ احساس شده

از خلال یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها، برخی ساکنین حاشیه شهر تجربه مستقیم داغ-نگ مکانی را نداشتند، بلکه تنها احساس می‌کردند ساکنین محلات برخوردار شهری نگرش‌های منفی نسبت به آنان دارند که البته این احساس ناشی از تجربیاتی است که حاصل تعامل آنان با ساکنین محلات برخوردار شهر است.

الف) بی‌نظمی ظاهری: حاشیه‌نشینان احساس می‌کردند آشفتگی و برهم‌ریختگی ظاهری، فقدان پوشش آراسته، آلودگی و فقدان بهداشت که نمود آن در ظاهر رویت می‌شود، از جمله اساسی‌ترین ادراکاتی است که ساکنین محلات برخوردار شهری نسبت به آنان دارند و در صورتی که محله سکونت آنان آشکار شود، اولین برچسبی که به آنان زده خواهد شد، کثیفی است. سیمونز^۱ و همکاران (۲۰۱۸) نیز بیان کردند در صورتی که افراد از منظر ظاهری خوب به نظر نرسند، توسط طبقه مسلط شهری مورد واکنش منفی قرار می‌گیرند.

تصور اونا این هس کسی که این سمت شهر زندگی می‌کنه، بهداشت رعایت نمی‌کنه، نامرتبه، وضعیت ظاهری خوبی نداره، یعنی اگه ندونن این سمت شهر زندگی می‌کنی که فکر می‌کنن خوب و تمیزی... اما اگر یه جوری بفهمن که این سمت شهر زندگی می‌کنی، همینا تو ذهنشون شکل می‌گیره. (خانم ۲۰ ساله)

اونا خیلی راحت ما رو کثیف و آلوده میدونن، اصلاً انگار ما رو با آلودگی یکی می‌دونن (آقا

۴۵ ساله)

ب) فرومایه: مادامی که افراد دارای صفات منفی باشند، به عنوان اعضا گروه طبقه زیرین شهری به آنان نگاه می‌شود (مانکریف^۲، ۲۰۰۶). مشارکت‌کنندگان خود را از زاویه نگاه

¹ Simons

² Moncrieffe

ساکنین محلات برخوردار افرادی ادراک می‌کردند که حامل ویژگی‌هایی هستند که خارج از دایره ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی طبقه مسلط شهری است. احساس فرودستی و خرد بودن، فاقد ادب، فاقد فرهنگ و فاقد تعاملات پسندیده برجسب‌هایی بود که آنها نسبت به خود احساس داشتند. یکی از جنبه‌های فرومایه در فقدان فرهنگ و شخصیت بیان شد.

کلاً اونا در مورد ما ذهنیت منفی دارن، ما رو بی‌فرهنگ و بی‌شخصیت و همه چی بد می‌دونن... (خانم ۲۷ ساله)

نگاه بالابه‌پایین به دلیل همسو نبودن با پوشش مسلط مناطق برخوردار شهر نیز توسط افراد احساس می‌شد.

کسی که پیراهن آستین‌کوتاه نمی‌پوشه، خالکوبی نداره، عینک رو موهاش نزده، و بجاش لباس پاره و پاره، کتیف و ساده می‌پوشه، بهش بچه‌ این بچه‌ ساختمون هست. یه جور دیگه بهش نگاه می‌کنن. مثلاً کسانی که تو بالاشهر هستن ظاهر لباسشون فرق می‌کنه با بچه‌ ساختمون. همین نوع لباس باعث می‌شه از یه نگاهی نگاه کنن که انگار اونا بالاتر از ما هستن. (آقا ۴۱ ساله).

اشتغال به مشاغل فروم‌رتبه در سلسله‌مراتب نظام ارزشی مشاغل، موجب قرارگرفتن در دسته دیگری و احساس فروم‌رتبگی می‌شود.

جایی که میرم تا بفهمن کارگر هستم، سریع فکر می‌کنن این یه آدم بیچاره‌ای هست که از پایین‌شهر اومده و با خودشون میگن: این ریخت و لباسش به ما نمی‌خوره. کلاً فکر می‌کنن ما همه کارگر و بیچاره و سطح پایینیم... (خانم ۵۱ ساله)

فقدان سرمایه اقتصادی کافی برای داشتن ظاهر آراسته، موجب پوششی می‌شود که مشارکت‌کنندگان از آن به‌عنوان پوشش معمولی یاد کردند. آنان احساس داشتند چنین سبک پوششی در نگاه ساکنین محلات برخوردار شهری ناپسند ادراک شده و زمینه اعمال داغ‌ننگ را موجب می‌شود. لازم به ذکر است چنین ادراکی از سوی ساکنین برخوردار به‌صورت پنهان داغ‌ننگ فقر را نیز همراه دارد.

خب طرز لباس پوشیدن بالاشهر و پایین‌شهر فرق می‌کنه. ما اینقدی پول نداریم که لباس خوب و مارک بپوشیم، پولمون در حدیه که می‌تونیم لباس معمولی بپوشیم، لباسی که طرح

خوب و کیفیت خوب و رنگ خوبی نداره می‌پوشیم، همین لباس معمولی ما رو از مردم بالاشهر جدا می‌کنه، ما هم اگر پول داشتیم می‌تونستیم مٹ اونا لباس بپوشیم... (آقا ۲۷ ساله)

ادراکات منفی از محلات کم‌برخوردار موجب می‌شود ساکنین این مناطق احساس فرومایگی، خرد بودن و فقدان منزلت داشته‌باشند.

اصلاً هرچقدر با فهم و شعور و درس‌خونده هم باشی، همین که از پایین‌شهر آمده باشی اصلاً آدم حسابت نمی‌کنن. هرچقدر هنرمند و درس‌خونده باشی اما بازم آدم حسابت نمی‌کنن چون پایین‌شهری هستی. مثلاً یک بالاشهری رو هرچند فهم و شعورش کمتر باشه، بهتر از ما می‌دونن، چون می‌گن این بالاشهر هست؛ اما اگر ما فهم و شعورمون بالا هم باشه، بازم مارو تحویل نمی‌گیرن چون می‌گن: این پایین‌شهری هست. (آقا ۴۵ ساله)

این مناطق به مناطق ضعیف و محروم و کم‌برخوردار می‌شناسن و خود ما رو هم به‌عنوان آدم‌های بی‌فرهنگ و بی‌شخصیت و بی‌کلاس می‌دونن. (خانم ۳۱ ساله)

ج) انحرافی: ساکنین حاشیه شهر و مناطق کم‌برخوردار با فعالیت‌های مجرمانه و انحرافی همراه هستند (ادلستین^۱، ۲۰۰۱). اقدام به چنین فعالیت‌های که از هنجارهای کنش انحراف دارد، موجب می‌شود یکی از نگرش‌های غالب به خود را منحرف و بزهدکار احساس کنند.

بالاشهری‌ها فکر می‌کنن ما آدم‌های اهل دعا و دعوایی و شرور و اهل کارهای خلاف و خلافکار هستیم، درحالی‌که واقعاً هممون اینطوری نیستیم. اصلاً تو بالاشهرم آدم خلافکار هست، فقط دیده نمی‌شه (آقا ۳۵ ساله)

فکر می‌کنن هرکی تو این منطقه هست، آپاچی هست، البته که اینجا همه جور آدم واقعاً پیدا می‌شه، کلی چاقوکش و دعواگر و آدم‌های مسلح... (آقا ۳۶ ساله)

اقدام به چنین رفتارهای در حاشیه شهر موجب احساس داغ‌زنگ انحرافی می‌شود و مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند در صورتی که محله سکونت آنان آشکار شود، با چنین برجسب‌هایی روبرو می‌شوند.

¹ Edelstein

فکر می‌کنن ما دزد، قاتل یا زورگیر هستیم. فکر می‌کنن همه مردم پایین‌شهر چاقوکش و بزهکارن. فکر می‌کنن ما بی‌فرهنگ و بی‌شخصیت هستیم. همش چیزای بد فکر می‌کنن در مورد ما. دیگه کافیه بفرهمن تو پایین‌شهری هستی...، همه اینا رو نثارت می‌کنن... (خانم ۲۷ ساله)

د) **هراس آور:** مشارکت‌کنندگان نگرش ساکنین برخوردار را با احساس ترسناک بودن و هراس آور بودن تعریف می‌کردند. در واقع انباشتی از ادراکات منفی از حاشیه شهر که به رفتارهای انحرافی بازمی‌گردد، موجب شده است ساکنین کم‌برخوردار نگرش رایج ساکنین برخوردار به خود را به صورت هراس آور احساس کنند.

اصلاً تصور اون‌ا این هست کسی که این سمت شهر زندگی می‌کنه، ترسناکه. (خانم ۲۰ ساله)

مشارکت‌کنندگان نه تنها نسبت به خود، بلکه ترس را نسبت به محله نیز احساس داشتند و اعتقاد داشتند علاوه بر افراد، محلات نیز توسط ساکنین برخوردار شهری ناامن ادراک شده است.

اون‌ا فکر می‌کنن پایین‌شهر امنیت نداره و انگار می‌ترسن از آمدن به پایین‌شهر، احساس ناامنی می‌کنن از اینجا. یعنی امنیت خودشونو در خطر می‌بینن اگر بیان اینجا و با ما ارتباط بگیرن. (خانم ۴۶ ساله)

باوجود اینکه مشارکت‌کنندگان داغ‌زنگ هراس آور را احساس داشتند، اما اعتقاد داشتند ادراک ترس ناشی از عدم آشنایی و تعامل با آنان است و تجربه ارتباط مستقیم با خود را، راهی برای کم‌رنگ شدن این ادراک می‌دانستند.

به نظر من بالا شهر دنیای متفاوت هست با پایین شهر، اگر مردم بالا شهر از ما می‌ترسن یا هر نظری نسبت به ما دارن، خب حق دارن چون اصلاً نیامدن و ندیدن که اینجاها اینطوری هست، مثلاً نیامدن ببینن یک مهر مادر چطوری هست؟ شاید اگر اون‌ا بیان اینجا نظرشون عوض بشه و دیگه نترسن (خانم ۴۶ ساله)

به نظر من اینجا باید گفت: شنیدن کی بود مانند دیدن، مردم دیدی با ترس دارن ولی خب وقتی میان می‌بینن، دیگه اون ترس از بین میره و از ما نمی‌ترسن. (خانم ۳۲ ساله)

ه) **سرمایه کم‌مقدار:** دسترسی نامتناسب به منابع ارزشمند و برخورداری حداقلی حاشیه‌نشینان از سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجب شده است این افراد

ادراک ساکنین برخوردار را به صورت داغ‌ننگ وضعیت نامناسب اقتصادی، طبقه اجتماعی فرومرتب، فقدان سواد و فقدان فرهنگ احساس کنند.

اونا فکر می‌کنن پایین‌شهری‌ها طبقه اجتماعی پایین دارن، همین که بفهمن پایین شهری هستی، دیگه کلی با خودشون فکر می‌کنن این بیچاره هست (خانم ۳۲ ساله)
ما رو بی سواد و بی فرهنگ و فقیر می‌دونن، کلاً این طوری در مورد ما فکر می‌کنن... (آقا ۳۵ ساله)

در این میان برخی مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند برخورداری حداقلی از سرمایه‌های ارزشمند تنها اختصاصی ساکنین محلات کم‌برخوردار شهر نیست و در میان ساکنین محلات برخوردار شهر نیز وجود دارد؛ اما ادراک فقدان سرمایه‌ها در خصوص آنان رایج‌تر است.

کلاً ما رو بدبخت و بیچاره و ضعیف و بی پول و بی سواد می‌دونن، هرچند که نباید همه ما رو به یه چشم ببینن، تو همون احمدآبادش هم آدم بی سواد و بی فرهنگ هست، اما اون به چشم نمیاد، همین که پایین شهر باشی به چشم میاد، ما که پایین شهری هستیم به چشم میایم (آقا ۴۱ ساله)

۲-۱- داغ‌ننگ تجربه شده

گافمن استدلال می‌کند رفتارهای آشکار و مستقیم دیگران یکی از راه‌هایی است که موجب بروز داغ‌ننگ می‌شود؛ بنابراین داغ‌ننگ تثبیت شده به رفتار تبعیض آمیز علیه افرادی اشاره دارد که به لحاظ داشتن ویژگی برجسته اجتماعی در بستر فرهنگی خاص، داغ‌ننگ زده می‌شوند (اسکامبلر، ۱۹۸۴). چاز و والکر^۱ (۲۰۱۲) اشاره می‌کنند که تجربه داغ‌ننگ فقر زمانی شکل می‌گیرد که ناشی از مشاهده اقدامات و قضاوت‌های آشکار دیگران باشد و در ادامه می‌گویند داغ‌ننگ تثبیت شده همان کاری که عموم مردم با فرد دارای داغ‌ننگ انجام می‌دهند را شامل می‌شود و می‌تواند باعث شود که افراد ادراک شرم و بی‌ارزشی کنند (چاز و والکر، ۲۰۱۲). ساکنین کم‌برخوردار از طریق دریافت برجسب، اختلال ارتباطی و کنش فرومایه داغ‌ننگ مکانی را تجربه کرده بودند.

^۱ Chase & Walker

الف) برچسب: پس از آشکارشدن تفاوت‌ها، برچسب‌زنی انجام می‌شود تا فرد آگاه باشد که از نگاه دیگران با خصیصه منفی ادراک می‌شود (لینک و همکاران، ۱۹۹۷)؛ بنابراین نوعی از داغ‌نگ تثبیت‌شده با برچسب‌زنی تجربه می‌شود. ساکنین حاشیه شهر با برچسب‌هایی چون پایین‌شهری، بی‌فرهنگ، دزد و... که ناشی از آشکارشدن محله سکونت آنان است، مواجهه شده‌بودند. این برچسب‌ها آشکارکننده تعاریفی که ساکنین محلات برخوردار شهری از حاشیه‌نشینان دارند.

رفتم شرکت همراه اول برای پیک موتوری، همون اولم گفتم ساختمون زندگی می‌کنم؛ اونم گفت: استخدامت می‌کنم؛ چون ما دنبال آدم‌های گشنه‌ای هستیم که صبح زود از خونه بززن بیرون و حسابی کار کنن و شب خسته برگردن و شما پایین‌شهری‌ها از همین دست آدم‌ها هستین. (آقا ۳۵ ساله)

من چون همیشه مرتب میرم بیرون، تا حالا پیش نیامده کسی با شنیدن نام محله رفتار نامناسبی با من داشته باشه. ولی با ۳ تا بچه‌ام رفتم مشاور املاک، به محض اینکه طرف منو با سه تا بچه دیده، گفته: ای بابا این چقد بی‌فرهنگه که ۳ تا بچه داره، حتماً پایین‌شهریه، دیگه اصلاً جواب سلام منم نداد. یه جا دیگه رفتم، طرف گفته: ۳ تا بچه داری؟ تو چقد آدم بی‌فرهنگی هستی ۳ تا بچه داری... ای بابا... الان یه جوروی شده اگر بچه داشته باشی بی‌فرهنگی و اگر حیوون خونگی داشته باشی، با فرهنگی. (آقا ۳۵ ساله)

ب) اختلال ارتباطی: نوعی دیگر از شیوه اعمال داغ‌نگ با رفتارهای تبعیض‌آمیز نمود می‌یابد. اساساً اعمال داغ‌نگ همیشه به صورت برچسب نبوده و از طریق شیوه‌های دیگر چون تبعیض، امتناع کردن، اعمال خشونت، سوءاستفاده و... نیز انجام می‌شود (نیل^۱، ۲۰۲۰). نوعی از این رفتارها پیش آمدن اختلال در ارتباطات اجتماعی این دو گروه است. من اون موقع وقتی به بچه‌های محله زندگی‌مو گفتم باعث شد نگاه پایین‌تر به من داشته باشن و با من دوست نشن. بچه‌ها می‌گفتن لول تو به ما نمی‌خوره و ما از تو بالاتر هستیم. تو اون مدرسه بچه‌ها با کسی پایین‌تر از خودشون دوست نمی‌شدن و فقط با کسی تو لول خودشون و بالاتر از خودشون دوست می‌شدن. (خانم ۳۱ ساله)

¹ Neil

این افراد حتی تجربه داغ‌ننگ و عدم ارتباط را از سوی بستگان خویش که در محلات حاشیة شهر زندگی می‌کردند و پس از مدتی به مناطق برخوردار شهر نقل مکان کرده بودند نیز تجربه داشتند.

اقوام داریم که همین‌جا بودن ولی چند سالی هست که بالاشهر زندگی می‌کنن، سمت هاشمیه و احمدآباد... از وقتی رفتن اونجا، یه جورایی خودشونو گم کردن و دوست ندارن دیگه با ماها رفت‌وآمد کنن و تو مهمونی‌هاشون ما رو دعوت نمی‌کنن، یعنی رفت و آمدشون کم کردن با ما (آقا ۴۰ ساله)

اختلال روابط اجتماعی در موقعیت ازدواج و قضاوت افراد تنها بر اساس محله سکونت نه به‌صرف انسان بود، نیز توسط افراد تجربه شده‌بود. لینک و همکاران (۱۹۹۷) نیز عدم تمایل به ازدواج با افراد داغ شده را در ذیل پیامدهای اجتماعی داغ‌ننگ نام-بردند.

... یکی از مشتری‌هام می‌گفت: هر جا مادرم برای خواستگاری زنگ می‌زنه تا میگه ساختمون می‌شینیم، سریع طرف بدون اینکه چیزی بگه تلفن قطع می‌کنه؛ حتی می‌گفت یه بار مادرم خودش می‌خواست سه‌سریه خداحافظی کنه وقتی فهمیده طرف بالاشهر زندگی می‌کنه ولی اون زودتر تلفن قطع کرده؛ نگاه نمی‌کنن ببینن ما چطور آدم‌هایی هستیم، نگاه می‌کنن ببینن کجا زندگی می‌کنیم، اینطوری که نمی‌شه... (آقا ۳۵ ساله)

تبعیض در استفاده از خدمات آموزشی مدارس مناطق برخوردار شهر و از دست دادن فرصت استفاده از امکانات آموزشی به دلیل سکونت در حاشیة شهر، توسط افراد تجربه شده‌بود.

حتی وقتی می‌خواستن منو مدرسه ثبت‌نام کنن، مسئولین مدرسه اونجا قبول نمی‌کردن و می‌گفتن بچه‌های پایین‌شهر، باید تو مدرسه محله خودشون درس بخونن چون اگر بیان تو مدرسه ما، برای بچه‌های ما بدآموزی دارن... (آقا ۲۳ ساله).

علاوه بر ارتباطات اجتماعی، افراد در حوزه تعاملات اقتصادی نیز با موانع ارتباطی روبرو بودند که ناشی از سکونت در حاشیة شهر بود. اساساً تراکمی از ادراکات منفی پیرامون حاشیة شهر و ساکنین آن، این افراد را در دو حوزه اجتماعی و اقتصادی با موانع ارتباطی مواجهه می‌سازد.

برای کار رفتن به مدرسه تو بلوار کوثر، آدرس محله سکونت پرسیدن و گفتن دقیقاً کجا زندگی می‌کنی؟ وقتی محله مو فهمیدن، شروع کردن به نگاه کردن به همدیگه و بعد گفتن: نه نمی‌تونیم با شما قرارداد ببندیم؛ چون ما فکر کردیم شما تو این محله ساکن هستید... (خانم ۴۳ ساله)

در واقع پس از اعمال داغ‌ننگ، ادراکات و کلیشه‌سازی‌هایی در خصوص خطرناک بودن افراد شکل می‌گیرد که منجر به فاصله اجتماعی می‌شود؛ بنابراین ترس می‌تواند مانعی بر ادغام اقتصادی باشد.

می‌خواستم برم مرغداری کار کنم، شماره تلفن و مشخصات من و گرفتن و همه چیز تقریباً تموم بود تا اینکه پرسیدن محل زندگی کجاست؟ گفتم ساختمون. بعد گفتن خب حالا باهات تماس می‌گیریم. طرف رفته تا تماس بگیره. حتماً با خودش می‌گه این ساختمون می‌شینه شاید کلاهبرداری و دزد باشه، معلوم نیست چطور آدمی باشه، اینطوری استخدام نمی‌کنن. (آقا ۴۰ ساله) همان‌طور که گافمن (۱۳۸۶) اشاره می‌کند، داغ‌ننگ افراد را از حیث دسترسی به فرصت‌های گوناگون با محرومیت مواجهه می‌سازد.

خب ما پول نداریم که بریم به منطقه بالاتر، من چند وقته اسباب‌هامو جمع کردم؛ ولی خب نمی‌تونیم تو منطقه بهتر خونه بگیریم. دوست دارم برم منطقه بالاتر ولی نمی‌تونم، پول ندارم...، بعد بخاطر این وضعیت اقتصادی، مجبور شدم اینجا ساکن بشم و از خیلی چیزها محروم بشم. (خانم ۳۲ ساله)

لازم به ذکر است اعمال طرد و تبعیض در خصوص دسترسی به فرصت‌های شغلی می‌تواند موجب شود افراد به مشاغل غیررسمی و کارهای سخت روی‌آورند که در بلندمدت می‌تواند تهدید بر سلامتی آنان نیز باشد (باشاک^۱ و همکاران، ۲۰۱۷).

ج) کنش فرومایه: طیف گوناگون از کنش‌های فاقد احترام و منزلت که به دلیل سکونت در حاشیه شهر با افراد انجام می‌شود، باعث تجربه داغ‌ننگ شده بود. در واقع ادراکات منفی نسبت به حاشیه‌نشینان موجب می‌شود آنان فقط به‌صرف محله زندگی قضاوت و واکنش شوند و سایر ویژگی‌های آنان و حتی انسان بودن آنان نادیده گرفته شود (گافمن،

^۱ Başak

۱۳۸۶). رفتارهای توهین‌آمیز و مسخره‌کننده ناشی از سکونت در حاشیه شهر به تجربه افراد رسیده بود.

تو دوره سربازی بچه‌ها دور هم جمع بودن و اسم رستوران‌ها و کافی‌شاپ‌های معروف به هم می‌گفتن، بچه‌ها همه اهل وکیل‌آباد بودن و اسم بهترین رستوران و کافی‌شاپ را یاد داشتن، وقتی نوبت به من رسید من واقعاً هیچی نمی‌دونستم که بهشون بگم و گفتم: من قلعه‌خیابون زندگی می‌کنم و کافی‌شاپ و رستوران نمی‌شناسم. بچه‌ها هم قلعه‌خیابون نمی‌شناختن و در جواب گفتن: قلعه‌خیابون؟ قلعه‌خیابون کجاست؟ چی داره قلعه‌خیابون؟ و بعد شروع کردن به دست‌انداختن و می‌گفتن: آدرس خلافکارا رو از این پرسین... آدرس چاقوکش‌ها رو از این پرسین... خب این بدبخت که تو شهر نیامده که بخواد رستوران و کافی‌شاپ بشناسه و... (آقا ۲۳ ساله)

بسیاری افراد نیز نه به‌صرف آشکارکردن محله زندگی، بلکه صرفاً به دلیل نوع شغل خود که مشاغل کارگری بود، با کنش‌های فاقد احترام مواجهه شده بودند؛ زیرا که ادراک عموم مردم این است که افرادی که در مناطق کم‌برخوردار ساکن هستند به مشاغل کاذب، غیررسمی و سطح پایین مشغول هستند (رضائی و همکاران، ۱۳۹۵)، چنین ادراکی موجب می‌شود رفتارهای فاقد منزلت انسانی صورت گیرد.

جایی برای کار می‌رفتم و اصلاً به من نهار نمی‌داد و حتی صبحانه رو ساعت ۱۱ می‌داد و می‌گفت: دیر صبحانه بخور تا نهار نخواد بخوری... یعنی خودشون نهار می‌خورن اما به من نهار نمی‌دادن و موقع نهار منو می‌فرستادن که حیاط برم تمیز کنم. یعنی باید به یه آدم کارگر این‌طور رفتار بشه؟ (خانم ۵۱ ساله)

یه جا برای کار رفتیم و دوستم رفت سرویس بهداشتی، خانوم وقتی فهمید بهش گفت: ببخود کردی رفتی سرویس بهداشتی من... غلط کردی رفتی سرویس بهداشتی من... کی به شما اجازه داد... مجبورش کرد سنگ دستشویی با پول خودش تعویض کنه، یعنی اون بدبخت همون قدری که کار کرد، همونو مجبور شد هزینه تعویض سنگ دستشویی بده. یا یه جا دیگه رفتم، طرف گریه خونگیشو بیشتر از من تحویل می‌گرفت. یا من از صبح تا شب تو خونه اون کار می‌کردم؛ ولی موقع غذا خوردن که می‌شد، دوست نداشتم من تو خونه غذا بخورم و توقع

داشت برم تو راه‌پله و حیاط غذا بخورم و دستشویی حیاط برم. همین که ببین کارگر هستی و سرووضع کارگر داری، بد برخورد می‌کنن. (آقا ۴۵ ساله)

۲- استراتژی‌های مواجهه

پس از اعمال داغ‌ننگ مدیریت هویت مطرح می‌شود و افراد باتوجه‌به نوع داغ‌ننگ، استراتژی‌هایی برای جلوگیری از تخریب صلاحیت فرهنگی و اجتماعی بکار گیرند (فراست^۱، ۲۰۰۱). داغ‌ننگ حاشیه‌نشینی باتوجه‌به اینکه فاقد نمود عینی، فرد حامل آن با هر دو نوع داغ‌ننگ بی‌اعتباری و احتمال بی‌اعتباری مواجهه می‌سازد. ساکنین مناطق کم-برخوردار باتوجه‌به اینکه از حیث کالبدی در محیط پیرامون شهری و از حیث اجتماعی در شبکه بیرونی قرار دارند، تلاش می‌کنند با استراتژی‌هایی از مرز بیرونی به مرز درونی عبور کرده و با داغ‌ننگ مقابله کنند.

۲-۱- استراتژی‌های مواجهه با داغ‌ننگ بی‌اعتباری

در این پژوهش استراتژی‌های اصلی مواجهه با داغ‌ننگ بی‌اعتباری حاشیه‌نشینی که توسط ساکنین مناطق کم‌برخوردار مشهد در مواجهه با ساکنین مناطق برخوردار بکار گرفته‌شد، به دو گونه برهم‌کنشی و غیربرهم‌کنشی دسته‌بندی می‌شود. استراتژی‌های برهم‌کنشی شامل مطروودیت اجتماعی، اندرز اجتماعی و تکانشی محور است. استراتژی‌های غیربرهم‌کنشی نیز شامل انفعالی و گذر موقعیتی است.

جدول ۲. استراتژی‌های مواجهه با داغ‌ننگ بی‌اعتباری

ردیف	مضمون	کدباز
برهم‌کنشی	استراتژی مطروودیت اجتماعی	نپذیرفتن کمک‌های مردم بالاشهر، طرد متقابل
	استراتژی اقناع اجتماعی	دفاع از خود، آگاه‌سازی، تلاش در متقاعدسازی مردم بالاشهری به تداوم ارتباط
	استراتژی	تذکر به عاملین داغ‌ننگ، دعوا با عاملین داغ‌ننگ

¹ Frost

	تکانشی محور	
همسو شدن با عاملین داغ‌ننگ، شرکت در برنامه‌های فرهنگی، تلاش جهت پیشرفت‌کردن، تلاش جهت عدم ارتکاب خطا، فاصله‌گرفتن از افراد بد محله، بهتر انجام دادن مسئولیت‌ها، اعتمادسازی، اثبات ویژگی‌های ارزشمند	استراتژی همگون‌سازی	
سکوت‌کردن، نادیده‌گرفتن رفتار نامناسب	استراتژی انفعالی	غیر برهم‌کنشی
ترک موقعیت، ترک محله	استراتژی گذر موقعیتی	

۱-۱- استراتژی‌های برهم‌کنشی

مادامی که هویت منفی آشکار شده‌باشد، استراتژی پنهان‌سازی کارآمد نخواهد بود، بنابراین افراد سعی می‌کنند با پاسخ‌های تعاملی و به شیوه‌های برهم‌کنشی، واکنش‌های منفی دیگران را کاهش دهند (میلر و کایزر^۱، ۲۰۰۱). این پاسخ‌ها به‌صورت ارادی و غیرارادی نمود می‌کند و درگیری با عامل داغ‌ننگ را ایجاد می‌کند.

استراتژی مطروذیت اجتماعی: طرد اجتماعی به فاصله اجتماعی و مرز بین خود و دیگران اشاره دارد که حاصل آن کاهش و فقدان همبستگی و مشارکت اجتماعی و بروز گسیختگی اجتماعی است (سیلور^۲، ۱۹۹۴). یکی از رفتارهای رایج نسبت به گروه هدف داغ‌ننگ، طرد اجتماعی و خودداری از کمک‌رسانی است (روتز و همکاران، ۲۰۰۹) که با بار عاطفی منفی و رنجش خاطر همراه است. ساکنین حاشیة شهر که تجربه رفتارهای طردآمیز از سوی ساکنین برخوردار شهری داشتند، به امتناع از دریافت کمک آنان پرداختند تا تنش ناشی از داغ‌ننگ را کاهش دهند.

بوده یه بار می‌خواستن از همون کانون برای من تا خونه تاکسی بگیرن، خب وقتی فهمیدن من کجا زندگی میکنم، گفتن: اوه... خونه شما هم که اون سر شهر هست... یعنی یه جوری گفت: اوه... خونت اون سر شهر هست که انگار خیلی سختش بود برای اونجا تاکسی بگیره. منم

¹ Miller & Kaiser

² Silver

در جواب بهشون گفتم: همچین می‌گین اون سر شهر هست که انگار یه شهر دیگه هست... اصلاً لازم نکرده برای من تاکسی بگیرین، خودم با اتوبوس می‌رم. (خانم ۲۰ ساله).

همچنین طرد متقابل ساکنین برخوردار شهری و خودداری از برقراری ارتباط با آنان نیز در کاهش تنش و مدیریت هویت می‌تواند مؤثر واقع شود.

خاله پدرم فارغ‌التحصیلان زندگی می‌کنه و رفت‌وآمد خیلی کم داریم باهاش، چون ما پایین خیابونی هستیم انگار مارو به رسمیت نمی‌شناسه و تحویل‌مون نمی‌گیره. ما رو فقط تو عروسی یا عزا دعوت می‌کنه... تقریباً قطع ارتباط هستیم مگر یکی بمیره یا ازدواج کنه. (آقا ۲۳ ساله)

با اقوامون رفت‌وآمد نداریم؛ چون بچه نقطه صفر هستیم، و انگار ما رو مایه ننگ می‌دونن. به اینجا میگن دورافتاده و پایین شهر و دوست ندارن بیان اینجا و میگن در شأن ما نیست که بیایم خونه شما... ما هم دیگه رفت‌وآمد نمی‌کنیم باهاشون (آقا ۴۱ ساله)

استراتژی اقناع اجتماعی: داغ اجتماعی که به محلات فقیرنشین می‌خورد، به‌وضوح نمایانگر عدم آگاهی طیف وسیع ساکنین محلات برخوردار شهری، از این نواحی است (مرکز اسکان سازمان ملل، ۲۰۰۳)؛ بنابراین افرادی که برچسب رسمی دریافت می‌کنند سعی می‌کنند با آگاهی‌بخشی، نگرش‌های منفی را کاهش دهند (کلک و استرانتا، ۱۹۸۰ به نقل از پرینس و پرینس^۱، ۲۰۰۲). حاشیه‌نشینان تلاش می‌کنند تا آگاهی‌بخشی را از طریق شفاف‌سازی وجوه مثبت و منفی محلات حاشیه شهر و تغییر این ادراک که حاشیه شهر صرفاً تراکمی از ویژگی‌های منفی نیست، عملی سازند.

نگاه مردم به اون منطقه این هست که کلی چلو اونجا زندگی می‌کنه که کارشون خفت‌گیری و دعواست. اما همین که اینو باز کنی و به مردم توضیح بدی که اونجا همه دعواگر نیستن و... و ما اونطوری نیستیم، دیگه مردم قانع می‌شن و چیزی نمی‌گن و نسبت به من نگاه بد ندارن و می‌فهمن که همه مردم اون محلات وحشی نیستن... (آقا ۲۳ ساله)

اقدامات تدافعی و تلاش برای اقناع‌سازی ساکنین محلات برخوردار شهری نیز راهی برای مدیریت هویت است. در این خصوص واکوانت (۲۰۰۷) بیان می‌کند یکی از استراتژی‌های مواجهه با داغ‌زنگ مکانی، دفاع از محله خود است؛ بنابراین دفاع از خود،

¹ Prince & Prince

محلّه خود و گفتن ویژگی‌های مثبت محلّه جهت کاهش تنش‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

به مدیر مدرسه گفتم: مگر مردم قلعه خیابان گناه‌کردن؟ خون‌ریختن؟ چرا ما نمی‌تونیم تو مدرسه‌ای غیر قلعه‌خیابون درس بخونیم؟ من خودم ۴ سال تو این مدرسه درس خوندم با قولنامه‌ی خونۀ یکی دیگه... شما اصلاً فهمیدین؟ اینو که گفتم مدیر مدرسه تعجب کرد و تازه فهمید که منم قلعه‌خیابونی هستم... واقعاً مدیر مدرسه با دیدن من تعجب کرد و گفت: اصلاً فکر نمی‌کردم تو قلعه‌خیابونی باشی و بالاخره من وقتی خودمو به اونا ثابت کردم و دیدن آدم درستی هستم، متقاعد شدن و پسر خاله منو ثبت‌نام کردن. (آقا ۲۳ ساله)

استراتژی تکانشی محور. استفاده از شیوه‌های شتاب‌زده و فاقد شکیبایی، با نوعی حالت تهاجمی را می‌توان استراتژی تکانشی محور دانست؛ بنابراین مادامی که افراد داغ- ننگ زده می‌شوند به مقابله مستقیم پرداخته تا آثار داغ‌ننگ را کاهش دهند (لینک و فلن، ۲۰۱۳).

من وقتی بر خورد بد می‌بینیم بدون اینکه صبر کنم سریع جواب می‌دم، می‌گم: چیه؟ چرا تا گفتم جاده‌سیمان قیافت عوض شد؟ تا حالا ندیدی یه آدم از رسالت؟ چرا عوض شدی؟ شما که بالا شهر هستی آدم هستی بعد ما آدم نیستیم یعنی؟ و از این حرفا می‌زنم... (خانم ۲۷ ساله)

به اعتقاد لینک و فلن (۲۰۱۳) و فراست (۲۰۱۱) افرادی که به مقاومت در برابر کلیشه‌ها می‌پردازند در واقع نوعی کاهش حس خودکارآمدی را تجربه می‌کنند و بنابراین از این طریق سعی در دفاع از عزت‌نفس خود دارند.

وقتی اون خانوم خندید، ... به من برخورد، خیلی عصبانی شدم و سریع گارد گرفتم گفتم: چه فرقی برای تو می‌کنه من از کجا آمدم، شما نگاه کن ببین من آدم هستم یا نیستم،... شما یک نفر می‌بینی که دست نداره، میری بهش بگی: تو یک دست نداری... خب قطعاً نمی‌گی... کلاً ما پایین شهری‌ها علاقه به دعوا داریم... و سریع در برابر واکنش‌های بالا شهری‌ها گارد می‌گیریم. تا حالا هر کی به من چیزی گفته من دعوا راه انداختم... شروع می‌کنم به گارد گرفتن و فحش دادن و جواب دادن و بگومگو کردن، من آدمی نیستم که یکی برخورد بالا به پایین داشته باشه چیزی بهش نگم...؛ جواب می‌دم تا دیگه از این برخوردها نداشته باشه با امثال من (آقا ۳۵ ساله)

استراتژی همگون‌سازی. فقدان همانندی و شکاف میان افراد ساکن در فضاهای متفاوت شهری، روابط آنها را دچار اختلال می‌کند، از این رو می‌توان گفت هماهنگی اجتماعی برای زندگی اجتماعی ضروری است. ساکنین مناطق برخوردار به دلیل قائل‌بودن به تفاوت و عدم همانندی، به حاشیه‌نشینان داغ‌ننگ زده، بنابراین حاشیه‌نشینان تلاش می‌کنند با همانندسازی خود با ذائقه و سلیقه ساکنین محلات برخوردار شهری، نگرش مثبت آنها را جلب کنند.

خب اونا فکر می‌کنن ما اهل شرکت تو کارهای فرهنگی نیستیم، منم سعی می‌کردم بیشتر تو کارای فرهنگی و مسابقات فرهنگی شرکت کنم، سعی می‌کردم خودمو با برنامه‌های فوق درسی سرگرم کنم که نگاه بد کمتر بشه رو من... (آقا ۲۱ ساله)

در این میان برخی نیز همانند با عاملین داغ شده، تا از این طریق به داغ‌ننگ پایان دهند.

تو دوره سربازی وقتی دوستان منو مسخره می‌کردن، منم هم‌رنگ اونا می‌شدم و باهاشون می‌خندیدم؛ چون اگر ناراحت می‌شدم اونا نقطه‌ضعف منو می‌فهمیدن و همیشه سر این موضوع منو مسخره می‌کردن و این موضوع مسخره‌کردن دیگه خاتمه پیدا نمی‌کرد. واسه همین اگر می‌خواستم رسوا نشم، هم‌رنگ اونا می‌شدم و وقتی اونا می‌خندیدن، منم یه چیزی از محله می‌گفتم که بیشتر باعث خنده... (آقا ۲۳ ساله)

از دیگر ادراکاتی که نسبت به افراد داغ‌ننگ خورده وجود دارد این است که به این افراد نمی‌توان اعتماد کرد (فال^۱، ۲۰۱۴)؛ بنابراین می‌توان اعتمادسازی را یکی از راه‌های اساسی کاهش داغ‌ننگ و امکان ادغام اجتماعی محسوب کرد (چن و همکاران، ۲۰۱۱). ساکنین حاشیه شهر به دلیل اینکه ادراکی منفی از فضای زندگی آنان وجود دارد، در جهت اعتمادسازی ساکنین برخوردار شهر تلاش می‌کنند مسئولیت‌های محولی خود را به بهترین صورت ممکن انجام دهند.

... رفتم کافی‌شاپی برای کار... گفتم قلعه‌خیابون می‌شینم، یکم پیچ پیچ کردن و گفتن: برین بهتون خبر می‌دیم. فهمیدم به خاطر محل سکونت نخواستن استخدام کنن. چند وقت بعد زنگ زدن و گفتن: اگر می‌خواین استخدام بشین سفته بیارین، گفتم: از همه سفته می‌گیرن؟ گفت: نه،

^۱ Fall

از شما سفته می‌گیرم؛ چون محله شما، محله بدی هست و می‌ترسیم که به چیزی بلزدین و... این حرف باعث شد من همه تلاشمو بکنم و وثیقه جور کنم و برم اونجا سرکار تا خودمو ثابت کنم و نشون بدم که همه بچه‌های اینجا دله دزد نیستن، تا آبروی محله حفظ بشه، خودمو در نقش جهادگر می‌دونستم... (آقا ۲۳ ساله)

فراست (۲۰۱۱) ادعا داشت داغ‌ننگ پیامدهای بالقوه مثبت برای حاشیه‌نشینان به همراه دارد که شامل خودشکوفایی و خلاقیت اجتماعی است.

... من در مقابل این حرفا هیچ واکنشی نشون ندادم و سعی کردم آرومش کنم و بهش بفهمونم که زندگی ابدی من اینجا نیست و سعی می‌کنم تغییر کنم، اون خیلی منو تحقیر کرد و من عصبانی نشدم، فقط تلاش کردم تا خودمو تغییر بدم، پیشرفت کنم و برم محله بهتر برای زندگی... (آقا ۳۶ ساله)

همچنین می‌توان به فاصله‌گرفتن از آنچه موجب داغ‌ننگ می‌شود نیز اشاره داشت. اساساً از نگاه گروه‌های مسلط، برخی افراد رفتارهایی با پتانسیل داغ‌زنی دارند؛ بنابراین با دوری از آن رفتارها و یا حذف آنان، می‌توان تا حدودی به مدیریت تنش پرداخت.

من سعی می‌کردم تو مدرسه از بچه‌هایی که رفتارهای بد دارن فاصله بگیرم تا مثل اونا به بدرفتاری متهم نشم... (آقا ۲۱ ساله)

۲-۱- استراتژی‌های غیر برهم‌کنشی

برخی افراد برای دوری از مواجهه با واکنش‌های اجتماعی منفی سعی می‌کنند استراتژی‌های رفتاری چون کناره‌گیری و پنهان‌سازی را به کار برند (لینک، ۱۹۹۱). این استراتژی مورد استفاده برای افرادی است که اعتقادی به تعامل نداشته و می‌پذیرند که نمی‌توانند با داغ‌ننگ مقابله کنند، بنابراین از هر گونه مقابله‌ای که مستلزم صرف انرژی است، خودداری می‌کنند (آلفانسو، ۲۰۰۵ به نقل از ژانگ^۱، ۲۰۱۶).

استراتژی انفعالی: مواجهه منفعلانه و فاقد کنشگری را می‌توان استراتژی دانست که هنگامی که افراد احساس می‌کنند با داغ‌ننگ نمی‌توانند مقابله کنند و اقدامی جهت کاهش

¹ Zhuang

آن انجام دهند، بکار می‌برند؛ بنابراین ساکنین حاشیة شهر مادامی که می‌دانند امکان رفع ادراکات منفی ساکنین برخوردار شهر را نسبت به خود را ندارند، اقدام به کنشگری نمی‌کنند.

وقتی طرف گفت استخدامت نمی‌کنم، چیزی بهش نگفتم، چون فایده‌ای نداره، حالا مثلاً من پیام بهش بگم: من بهترین آدم هستم... فکر می‌کنی نگاه اون تغییر می‌کنه؟ نه اصلاً تغییر نمی‌کنه... (آقا ۳۶ ساله)

حاملین داغ‌نگ بی‌توجهی و نادیده‌گرفتن رفتارها و سکوت را بهترین راه برای کاهش تنش‌ها دانسته (روترو و همکاران، ۲۰۰۹) و از این طریق سعی در مقابله با داغ‌نگ دارند.

سرکار منتظر ماشین میکسر سیمان بودم... جلو به خونه به درختی بود و رفتم زیر سایه درخت و استادم... یکدفعه ای یک نفر از تو همون خونه آمد بیرون و گفت: آقا جلو خونه ما وایستا، گفتم: چون سایه هست و استادم، گفت: لازم نکرده تو سایه واستی، برو تو آفتاب و استا و از این حرفا... با خودم گفتم: حق داره... طرف دوست نداره آدمی با سر و وضع من جلو خونش واسته، رفتم اون طرف و چیزی نگفتم... (آقا ۲۷ ساله)

استراتژی گذر موقعیتی: گذر موقعیتی استراتژی است که در آن فرد حامل داغ‌نگ تلاش دارد از موقعیت‌هایی که مورد بدرفتاری قرار می‌گیرد، فاصله گیرد و با ایجاد فاصله و کنار کشیدن از موقعیت داغ‌نگ، تنش‌ها را کاهش دهد. لینک و فلن (۲۰۱۳) نیز از جمله استراتژی‌های مقابله با داغ‌نگ را فاصله‌فیزیکی با عاملین داغ می‌دانند که موجب محافظت از هویت خود می‌شود.

وقتی رفتار نامناسب می‌بینم، کات می‌کنم و ادامه نمی‌دم که بخواد کار به توهین برسه و یا خودم عصبانی تر بشم. سعی می‌کنم رد بشم و برم و موقعیت ترک کنم؛ فایده‌ای نداره هم کلام شدن و بحث کردن و بهترین کار ترک محیط هست. وقتی برخورد بد مغازه‌دار می‌بینم، از مغازه میام بیرون و میرم مغازه دیگه ای که بدون توهین کارمو راه بندازه. با وجود اینکه عصبانی می‌شم، اما بهترین راه رو ترک اون محیط می‌دونم. (آقا ۳۵ ساله)

پیش آمده که وقتی رفتم بالا شهر و برخورد بدی از یه مغازه‌دار دیدم، از مغازه آدمم بیرون و اصلاً ازش خرید نکردم. وقتی هم با مامانم میرم بیرون و جلو مامانم یکی بد رفتار می‌کنه، به

طرف مقابل چیزی نمی‌گم و فقط به مامانم میگم: ما چقد بدبختیم که اینجا زندگی می‌کنیم و مجبوریم حرف‌های اینارو بشنویم، بیا بریم بیرون از مغازش. (خانم ۲۷ ساله)

واکوانت (۲۰۰۷) نیز از راه‌های مقابله با داغ‌ننگ مکانی را ترک محله می‌داند که بنابر مساعد بودن شرایط، می‌تواند محقق شود.

یکی از دلایلی که خیلی از مردم فارس از این محله رفتن، فشارهایی هست که از سنی‌ها و چلوها وارد می‌شه... اون موقع که من درس می‌خوندم اگر می‌گفتی قلعه‌خیابون زندگی می‌کنی، همه در جواب می‌گفتن: اوه .. چلویی؟ بلوچی؟ یعنی اولین سوالی که از ما می‌پرسیدن همین بود... و خیلی از فارس‌هایی که از قدیم اینجا بودن به‌خاطر همین مسائل از این محله رفتن، چون هر جا می‌رفتن برچسب می‌خوردن و بقیه فکر می‌کردن چلو هستن. (آقا ۲۳ ساله)

۲-۲- استراتژی‌های مواجهه با داغ‌ننگ احتمال بی‌اعتباری

باتوجه‌به اینکه داغ‌ننگ حاشیه‌نشینی عموماً فاقد نمود عینی است، بنابراین افراد با داغ احتمال بی‌اعتباری نیز روبرو می‌شوند و به دو طریق تلاش می‌کنند تا به مدیریت هویت خود پردازند؛ پنهان‌سازی و انطباق‌سازی. رویکرد انطباقی پرکاربردترین استراتژی مورد استفاده توسط ساکنین مناطق کم‌برخوردار مشهد است که در ذیل آن می‌توان به انطباق ظاهری، انطباق‌پنداری، انطباق‌گفتاری و انطباق‌کرداری اشاره داشت.

جدول ۳. استراتژی‌های مواجهه با داغ‌ننگ احتمال بی‌اعتباری

مقوله	مضمون	کد باز
-	استراتژی پنهان‌سازی	پنهان‌سازی محله، تغییردادن نام فامیلی
استراتژی‌های انطباق‌سازی	استراتژی انطباق ظاهری	ظاهر شبک و مرتب، همانندی با پوشش بالاشهری‌ها، پوشیدن لباس رسمی، پوشش مرتب‌تر، نپوشیدن چادر، داشتن آرایش ملایم
	استراتژی انطباق‌پنداری	تلاش در بالا بردن اطلاعات عمومی، تلاش جهت کسب تحصیلات
	استراتژی انطباق‌گفتاری	رسمی صحبت‌کردن، با لهجه صحبت‌نکردن
	استراتژی	پیگیری برنامه‌های مدرسه، تغییر محله زندگی قبل

<p>تعامل، برخورد محترمانه، برخورد اخلاق‌مدارانه، باکلاس نشان‌دادن خود، رعایت آداب غذاخوردن، همانند بالاشهری‌ها رفتار کردن،</p>	<p>انطباق کرداری</p>	
--	----------------------	--

۲-۱- استراتژی پنهان‌سازی

از رایج‌ترین ابزارهای مدیریت هویت، پنهان‌کاری و رازداری در مورد خصوصیت منفی است (لینک و همکاران، ۱۹۹۷). این استراتژی زمانی کاربرد دارد که ویژگی منفی قابلیت پنهان‌سازی داشته باشد (لینک و فلن، ۲۰۱۳). باتوجه‌به اینکه حاشیه‌نشینی فاقد نمود عینی است، افراد می‌توانند به پنهان‌سازی آن اقدام کنند و از به‌وجودآمدن اختلال رابطه‌ای، واکنش منفی و طرد جلوگیری کنند (لینک، ۱۹۹۱؛ لینک و فلن، ۲۰۱۳). مشارکت‌کنندگان با پنهان‌سازی محله سکونت، از بی‌اعتبارشدن خود و اختلال رابطه، جلوگیری کردند.

... شروع کردم به تعریف کردن از محله‌ام... اما با اینکه حدود ۱۵ دقیقه تعریف می‌کردم، اون خانم قانع نشد و همچنان ترس و همون نگاه داشت. از اونجا به بعد تصمیم گرفتم دیگه محله زندگیمو نگم، چه کاریه اسم ببرم و بعد مردم نظرشون عوض بشه و من مجبور بشم کلی انرژی بذارم و توضیح بدم و در نهایتم حرفمو کسی قبول نکنه. (خانم ۳۶ساله)

یا مثلاً افرادی تو مشهد که فامیلشون خیابانی هست، اصالتشون محله قلعہ‌خیابون هست ... اما خیلی‌هاشون فامیلشون عوض می‌کنن تا بقیه متوجه نشن ساکن این محله هستن... (آقا ۵۰ساله)

۲-۲- استراتژی‌های انطباقی

هنگامی که یک غریبه در برابر ما ظاهر می‌شود، می‌توان با استفاده از ویژگی‌های ظاهری و نمادهای آشکار، به قضاوت درباره شخصیت وی پرداخت. از این‌رو هنگامی که ساکنین مناطق کم‌برخوردار در محلات برخوردار قرار می‌گیرند، تلاش می‌کنند تا الزامات رایج در این محیط را رعایت کرده و از مواجهه با داغ‌ننگ جلوگیری کنند؛ بنابراین عناصری ظاهری را که می‌تواند نمود فضای فرامرتبه شهری و منزلت اجتماعی بلندمرتبه باشد، تاحدامکان با محیط برخوردار تطبیق می‌دهند. هماهنگی شکل گرفته موجب می‌شود آنان

در کانون توجه نبوده و بنابراین به‌عنوان عضوی مستثنا، شناخته نشوند (گافمن، ۱۳۹۱). افراد تلاش می‌کنند از طریق تغییر گفتار، پوشش و حرکات خود و یا هر راه دیگر، همسو با ساکنین محیط برخوردار شده و از آشکار شدن داغ‌زنگ خود جلوگیری کنند.

استراتژی انطباق ظاهری: آشکار بودن نشانه‌های ظاهری و امکان انتقال سریع اطلاعات از طریق آنها (گافمن، ۱۳۸۶: ۹۶) و عدم امکان پنهان‌سازی آنها موجب می‌شود افراد تا حد امکان تلاش کنند به‌نوعی همگونی ظاهری برسند (لینک و فلن، ۲۰۱۳). در خصوص حاشیه‌نشینان نیز گفتمانی رایج وجود دارد که یکی از ویژگی‌هایی که موجب داغ‌زنگ به آنان می‌شود، خصیصه‌های ظاهری است (نیر، ۲۰۱۳). به این ترتیب تلاش در جهت انطباق ظاهری که آشکارترین شکل آن، پوشش است و تبعیت از الگوی پوششی رایج در مناطق برخوردار، راهی جهت مقابله با داغ‌زنگ احتمال بی‌اعتباری است.

بیشتر سعی می‌کنم از نظر ظاهری مرتب باشم، چون آدم‌ها بر اساس ظاهر قضاوت می‌کنند و من اگر حتی بالاشهر هم بشینم و ظاهرم شلخته باشه، مردم تا ببینن میگن: اینو نگاه کن معلوم نیست از کدوم پایین‌شهری آمده. درحالی‌که اگر شیک‌وپیک بیای و قشنگ صحبت کنی اون وقت مردم میگن از بالاشهر آمده و باباش دکتر مهندس هست. واسه همین تلاش می‌کنم که اول از نظر ظاهری مرتب باشم و ظاهرم خوب باشه. (خانم ۳۲ ساله)

تو منطقه خودم چادر سرم می‌کنم و مانتو و شلواری که زیرش می‌پوشم مهم نیست، ولی وقتی می‌رم بالاشهر لباس خوب می‌پوشم، چون جو بالاشهر طوری هست که باید مانتو اونجا لباس پوشیدی، یعنی اگر من تو بالاشهر خوب لباس نپوشم، مردم بد نگاه می‌کنن، فکر می‌کنن ما پول نداریم... (خانم ۲۲ ساله)

پسر خالم به کوچه اون طرف‌تر زندگی می‌کنه، من وقتی می‌خوام برم خونه اون هرچی گیرم بیاد با یه دمپایی می‌پوشم و می‌رم؛ ولی وقتی می‌خوام برم خونه دایی‌ام که بالاشهر می‌شینه، با دمپایی که نمیرم، کفش می‌پوشم، یه آرایشی هم می‌کنم، لباس مرتب هم می‌پوشم... خب اینجا مردم همین‌طوری لباس می‌پوشن دیگه، منم مانتو همونا می‌پوشم؛ ولی تو بالاشهر مردم مرتب هستن و منم سعی می‌کنم مانتو اون مرتب باشم. (خانم ۲۷ ساله)

صحبت کنی...، همه بد می‌دونن و می‌گن این بچه پایین شهر هست که لهجه داره... خب این که نشد وضع... (آقا ۳۵ ساله)

استراتژی انطباق کرداری. باتوجه به اینکه رفتار غیرمعمول در جامعه به دلیل انحراف از حالت نرمال، با برچسب و داغ اجتماعی روبروست، افراد تلاش می‌کنند هنگام معاشرت با دیگر گروه‌ها تغییری در الگوهای رفتاری خود قائل شوند (فراست، ۲۰۱۱). بدین ترتیب تبعیت از الگوهای کنشی گروه مرجع و عدم به‌کارگیری الگوهای کنشی خویش هنگام مواجهه با عاملین داغ، نوعی انطباق کرداری است که جهت جلوگیری از اعمال داغ‌ننگ بکار گرفته می‌شود.

ما همیشه نقاب داریم و هرجایی که میریم سعی می‌کنیم با شرایط همون محیط تطبیق بدیم خودمونو. من وقتی رستوران وکیل‌آباد میرم سعی می‌کنم متفاوت باشم تا رستوران تو محله خودم؛ طرز لباس پوشیدن، طرز غذا خوردن و... فرق می‌کنه. تو پایین شهر هرطور غذا خوردم و دور دهنم پر شد و رو میز ریخت و یا رو زمین ریخت خب مهم نیست، یا با لباس کارم برم مهم نیست؛ ولی تو بالا شهر با لباس مرتب می‌رم و تمیز و مرتب ظاهر می‌شم و غذا می‌خورم. (آقا ۴۵ ساله)

الان جو جامعه اینطوری هست که باید بتونی خودتو از سطح چهاردیواری خونه خودت بالاتر ببری، یعنی باید وقتی میرم بالا شهر تمیزتر غذا بخورم چون اونوقت اطرافیان می‌گن: نگاه کن چقد تمیز غذا می‌خورن.. غذاشون رو زمین نریختن، آروم و مرتب غذا خوردن و... بخاطر اینکه همیشه به نگاهی و قضاوتی روی من هست، سعی می‌کنم مطابق با محیط رفتار کنم تا نگاه و قضاوت بد روی من نباشه. (آقا ۳۵ ساله)

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تمرکز بر ساکنین مناطق کم‌برخوردار شهر مشهد، سعی کرد تا به مطالعه داغ‌هایی که این افراد به دلیل سکونت در حاشیه شهر ادراک کرده‌بودند و راهبردهای مواجهه آنان را به‌عنوان کنشگران اجتماعی پردازد. داغ‌ننگ می‌تواند به‌صورت احساس داغ‌ننگ به ادراک افراد نائل شود. حاشیه‌نشینان احساس می‌کردند مفاهیم بی‌نظمی ظاهری، فرومایه، انحرافی، هراس‌آور و سرمایه‌های فرومایه تشکیل‌دهنده

قلب نگرش‌های ساکنین برخوردار شهر به آنان است. همچنین کلیشه‌ها باعث می‌شوند افراد اختلال در ارتباط و کنش‌های فرومایه را تجربه کنند. مانکریف (۲۰۰۶) از برجسب‌هایی که به کودکان کار زده می‌شود و موجب تنزل موقعیت آنان می‌شود، نام برد. لینک و همکاران (۱۹۹۷) اشاره کردند که افراد دارای برجسب با دشواری در ازدواج و پیدا کردن کار مواجهه بودند. روتر و همکاران (۲۰۰۹) نیز بیان کردند بسیاری از افراد که داغ‌ننگ زده می‌شوند با فقدان احترام در تعامل با دیگران مواجهه می‌شوند.

افراد حامل داغ‌ننگ مکانی تلاش داشتند در مواجهه با داغ‌ننگ بی‌اعتباری، با استفاده از استراتژی‌های برهم‌کنشی و غیربرهم‌کنشی تلاطمات تعاملی با ساکنین مناطق برخوردار را کاهش دهند و از پیدایی پیامدهای منفی گسترده‌تر جلوگیری کنند. در مطالعه حاضر می‌توان به استراتژی‌های برهم‌کنشی چون مطرودیت، اقناع، تکانشی‌محور و همگون‌سازی اشاره داشت. تلاش جهت اعتمادسازی از طریق صحیح انجام‌دادن مسئولیت‌های محولی که همسو با نتایج پژوهش ولنتا^۱ (۲۰۰۹) بر روی مهاجرین است؛ آنان نیز برای جلوگیری از تخریب هویت سعی داشتند نقش‌های خود را به مطلوب‌ترین شکل انجام دهند. همچنین کسب مهارت و پیشرفت در زمینه‌های گوناگون نیز که ویتز (۱۹۹۱) آن را واکنشی فعال می‌داند شیوه‌ای کاربردی برای مقابله با داغ‌ننگ است که در مطالعه باشاک (۲۰۱۷) به صورت پیدا کردن شغلی پردرآمد نشان داده شد. استراتژی‌های غیربرهم‌کنشی همانند انفعالی و گذر موقعیتی که به صورت بی‌توجهی و نادیده‌گرفتن رفتارهای عاملین داغ‌ننگ و ترک موقعیت و محله بروز می‌کند که در مطالعه روتر و همکاران (۲۰۰۹) اشاره شد.

در موقعیت داغ‌ننگ بی‌اعتباری با توجه به پوشیده بودن صفت منفی، افراد نیز در پوشیده ماندن آن تلاش می‌کنند. ساکنین مناطق کم‌برخوردار آگاه هستند در صورتی که تفاوت‌های ظاهری، پنداری، گفتاری و کرداری آنان آشکار شود، و متفاوت با اقتضائات هنجاری مناطق برخوردار تشخیص داده شوند، سریعاً سایر مراحل داغ‌ننگ طی شده و داغ‌ننگ مکانی به آنان تعلق می‌گیرد؛ بنابراین تلاش می‌کنند تا با انطباق از ملاحظات

^۱ Valenta

مناطق برخوردار از داغ‌ننگ و احتمال بی‌اعتباری جلوگیری کنند. از این رو یا در تلاش برای پنهان‌سازی داغ‌ننگ خود در جلوی صحنه بودند، همان‌گونه که در مطالعات هالیدی و همکاران (۲۰۲۱)، گانگولی (۲۰۱۸) و کین و پادیلا (۲۰۱۰) نشان داده شد و یا در تلاش برای انطباق نمادهای آشکار خود با مقتضیات ساکنین مناطق برخوردار بودند که در مطالعات تاکاهاشی و همکاران (۲۰۰۲)، ریورن و گیتار (۲۰۱۳) و والتتا (۲۰۰۹) نشان داده شد، یا از طریق همانندی سعی داشتند خود را در برابر داغ‌ننگ محافظت کنند. اساساً داغ‌ننگ، بی‌عدالتی فضایی و فاصله اجتماعی را تولید و بازتولید می‌کند، هم‌زیستی مبتنی بر اصول شهروندی کامل را از بین می‌برد، بافت منسجم شهر را از بین برده و با تکه‌تکه‌شدن محیط شهر موجب شکل‌گیری ساختارهای چندپاره می‌شود. این موجب می‌شود ساکنین حاشیه شهر، شهر را میدان تضاد دیده و تلاش کنند تا با داغ‌ننگ خود مبارزه کرده و از سد اختلال رابطه‌ای عبور کنند. اساساً پشت‌صحنه برای ساکنین مناطق کم‌برخوردار، محیط زندگی خودشان است و جلوصحنه محیط برخوردار شهر است. این افراد سعی دارند از طریق همانندی با گروه مرجع در جلوصحنه با تظاهر به ادب، نزاکت، احترام و به‌طور کلی ویژگی‌ها و قواعدی که در ذهن خود از ساکنین مناطق برخوردار ادراک کرده‌اند، به‌گونه‌ای خود را به حضار نمایش دهند تا متعلق به همان میدان به نظر آیند و مغایرت موجود را پنهان‌سازند و به‌این‌ترتیب از بروز داغ‌ننگ و پیامدهای آن جلوگیری نمایند (گافمن، ۱۳۹۱).

منابع

- اعظم آزاده، منصوره و خواجه صالحانی، افسانه (۱۳۹۴). تشخیص محله و احساس طرد اجتماعی (مطالعه موردی شهر پاکدشت) رفاه اجتماعی؛ ۱۵ (۵۹): ۸۹-۱۱۸.
- اکبری، حسین (۱۳۹۴). بررسی هویت اجتماعی در شهر تهران، بررسی تجربی لایه‌های هویت اجتماعی در شهر تهران، تهران، شهر.
- اکبری، حسین (۱۳۹۵). شناسایی آسیب‌ها و نابهنجاری‌های شهری به تفکیک محلات شهری مشهد. طرح پژوهشی، دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد.

-اکبری، حسین و حیدری چروده، مجید (۱۳۹۸). **واکاوی مهم‌ترین مسائل اجتماعی شهر مشهد، مشهد، هامون نو.**

-بابایی فرد، اسدالله و حبیبی‌راد، لیلی. (۱۳۹۷). تجربه‌ی زنان معتاد بهبودیافته از طرد اجتماعی در شهر قم، **فصلنامه مطالعات راهبردی زنان**، ۲۱(۸۱)، ۱۶۷-۱۸۹.

-شالچی، سمیه، و قلی‌زاده، صفیه. (۱۳۹۷). تجربه‌ی طرد اجتماعی زنان در سکونتگاه‌های غیررسمی (مورد مطالعه: محله‌ی اسلام‌آباد تهران). **مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)**، ۸(۲۷)، ۰-۰.

-فولادیان، مجید و رضایی بحرآباد، حسین. (۱۳۹۸). نگاهی به آسیب‌های اجتماعی و جرائم در حاشیه شهر مشهد و بررسی عوامل تسهیل‌کننده آن. **جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران**، ۸(۱)، ۰-۰.

-گافمن، اروین (۱۳۸۶). **داغ‌ننگ؛ چاره‌اندیشی برای هویت ضایع شده، ترجمه مسعود کیان‌پور، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.**

-گافمن، اروین (۱۳۹۱). **نمود خود در زندگی روزمره، مسعود کیان‌پور، چاپ ششم، تهران، مرکز.**

-محمدی، جمال، دانش مهر، حسین، و هدایت، عثمان. (۱۳۹۸). تجربه طرد اجتماعی: مورد مطالعه هه ورامی‌های شهر مریوان. **مسائل اجتماعی ایران (دانشگاه خوارزمی)**، ۱۰(۱)، ۲۳۹-۲۶۲.

-محمدی، مهلا؛ اکبری، حسین و فولادیان، مجید. (۱۴۰۱). **داغ‌ننگ؛ مروری سیستماتیک بر مطالعات انجام شده در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران**، ۲۳(۱)، ۹۸-۱۳۰.

-میرحسینی، زهرا و ابراهیمی، مرضیه. (۱۳۹۸). مطالعه‌ی تجربه‌ی زیسته‌ی کودکان و نوجوانان در خانواده‌هایی با والد زندانی، **مجله مطالعات اجتماعی ایران**، ۱۳(۱)، ۱۳۳-۱۵۳.

Başak, A.M., Deniz, A.M., & Ertan, A.M. (2017). The Romanization of poverty: Spatial stigmatization of Roma neighborhoods in Turkey. *Romani Studies*, 27, 73 - 93.

Baumann, H., & Yacobi, H. (2022). Introduction: Infrastructural stigma and urban vulnerability. *Urban Studies*, 59(3), 475-489.
<https://doi.org/10.1177/00420980211055655>

Chase, E., & Walker, R. (2013). The co-construction of shame in the context of poverty: Beyond a threat to the social bond. *Sociology*, 47(4), 739-754.

Crețan, R., & Powell, R. (2018). The Power of Group Stigmatization: Wealthy Roma, Urban Space and Strategies of Defence in Post-socialist Romania. *International Journal of Urban and Regional Research*, 42, 423-441.

Dean, J., & Hastings, A. (2000). *Challenging images. Housing estates, stigma and regeneration*. Bristol: The Policy Press.

Edelstein, M. R. (2001). Crying over spoiled milk: Contamination, visibility, and expectation in environmental stigma. In J. Flynn, P. Slovic, & F. Kunreuther (Eds.), *Risk, media, and stigma: Understanding public challenges to modern science and technology* (pp. 41-68). London, England: Earthscan.

Fall, K. (2014). *Homeless men : exploring the experience of shame* (p. vi, 128 pages) [University of Iowa].

Frost, D.M. (2011). Social stigma and its consequences for the socially stigmatized. *Social and Personality Psychology Compass*, 5, 824-839.

Ganguly, S. (2018). Socio-spatial Stigma and Segregation. *Economic & Political Weekly*, 53(50), 51.

Graham, L. F., Padilla, M. B., Lopez, W. D., Stern, A. M., Peterson, J., & Keene, D. E. (2016). Spatial stigma and health in postindustrial Detroit. *International quarterly of community health education*, 36(2), 105-113.

Green, S.E., Davis, C.S., Karshmer, E., Marsh, P., & Straight, B. (2005). *Living Stigma: The Impact of Labeling, Stereotyping, Separation, Status Loss, and Discrimination in the Lives of Individuals with Disabilities and Their Families*. *Sociological Inquiry*, 75, 197-215.

Halliday, E.; Brennan, L.; Bamba, C.; Popay, J. (2021). 'It is surprising how much nonsense you hear': How residents experience and react to living in a stigmatised place. A narrative synthesis of the qualitative evidence. *Health & Place*, (), – .doi:10.1016/j.healthplace.2021.102525

Hastings, A. (2004). Stigma and social housing estates: Beyond pathological explanations. *Journal of Housing and the Built Environment*, 19(3), 233–254

Inglis, G., McHardy, F., Sosu, E., McAteer, J., & Biggs, H. (2019). Health inequality implications from a qualitative study of experiences of poverty stigma in Scotland. *Social science & medicine* (1982), 232, 43–49.

Isaksson, A., Corker, E., Cotney, J., Hamilton, S., Pinfold, V., Rose, D., & Evans-Lacko, S. (2018). Coping with stigma and discrimination: evidence from mental health service users in England. *Epidemiology and psychiatric sciences*, 27(6), 577-588.

Keene, D. E., & Padilla, M. B. (2010). Race, class and the stigma of place: moving to "opportunity" in Eastern Iowa. *Health & place*, 16(6), 1216–1223.

Levin-Dagan, N., & Baum, N. (2021). Passing as normal: Negotiating boundaries and coping with male breast cancer. *Social science & medicine*, 284, 114239 .

Link, B. G., & Phelan, J. C. (2001). Conceptualizing Stigma. *Annual Review of Sociology*, 27, 363-385.

Link, B. G., & Phelan, J. C. (2013). Labeling and stigma. In C. S. Aneshensel, J. C. Phelan, & A. Bierman (Eds.), *Handbook of the sociology of mental health* (pp. 525–541).

Link, B. G., Struening, E. L., Rahav, M., Phelan, J. C., & Nuttbrock, L. (1997). On stigma and its consequences: evidence from a longitudinal study of men with dual diagnoses of mental illness and substance abuse. *Journal of health and social behavior*, 38(2), 177–190.

Marx, G. T. (2001). Technology and social control: The search for the illusive silver bullet. In P. B. Baltes & N. J. Smelser (Eds.), *International encyclopedia of the social and behavioral sciences* (Vol. 23, pp. 15506–15512). Amsterdam, NY: Elsevier.

Meyer, F., Miggelbrink, J., & Schwarzenberg, T. (2016). Reflecting on the margins: socio-spatial stigmatisation among adolescents in a peripheralised region. *Comparative Population Studies*, 41(3-4).

Miller, C. T., & Kaiser, C. R. (2001). A theoretical perspective on coping with stigma. *Journal of Social Issues*, 57, 73-92.

Moncrieffe, J. (2006). The Power of Stigma: Encounters with 'Street Children' and 'Restavecs' in Haiti. *IDS bulletin*, 37(6),

Neil, A. (2020). *Understanding and Responding to Stigma and Discrimination, Unit-2 Social stigma: universal and culturally specific*, Indira Gandhi National Open University, New Delhi.

Nir, C. (2013). Territorial stigma formation in the Israeli city of Bat Yam, 1950–1983: planning, people and practice, *Journal of Historical Geography*, Volume 39, Pages 113-124.

Phelan, J., Link, B., Moore, R., & Stueve, A. (1997). The Stigma of Homelessness: The Impact of the Label "Homeless" on Attitudes Toward Poor Persons. *Social Psychology Quarterly*, 60(4), 323-337.

Prince, P. N., & Prince, C. R. (2002). Perceived stigma and community integration among clients of assertive community treatment. *Psychiatric rehabilitation journal*, 25(4), 323–331.

Rayburn, R.L., & Guittar, N.A. (2013). "This Is Where You Are Supposed to Be": How Homeless Individuals Cope with Stigma. *Sociological Spectrum*, 33, 159 - 174.

Reutter, L. I., Stewart, M. J., Veenstra, G., Love, R., Raphael, D., & Makwarimba, E. (2009). "Who do they think we are, anyway?": perceptions of and responses to poverty stigma. *Qualitative health research*, 19(3), 297–311.

Saraví, G.A. (2015). Youth Experience of Urban Inequality: Space, Class, and Gender in Mexico . In: Wyn, J., Cahill, H. (eds) *Handbook of Children and Youth Studies*. Springer, Singapore. https://doi.org/10.1007/978-981-4451-15-4_45 .

Scambler, G. (1984). Perceiving and coping with stigmatizing illness. In R. Fitzpatrick, J. Hinton, S. Newman, G. Scambler, & J. Thompson (Eds.), *The experience of illness* (pp. 204- 226). London: Tavistock.

Shi, Y., Liu, S., Wang, J., Li, C., & Zhang, J. (2021). Stigma experienced by patients with epilepsy: A systematic review and meta-synthesis of qualitative studies. *Epilepsy & Behavior*, 118, 107926.

Silver, H (1994) "Social Exclusion and Social Solidarity: Three Paradigms", *International Labour Review*, Vole 133. PP. :531-578.

Simons, A.M.W., Houkes, I., Koster, A. et al. (2018). The silent burden of stigmatisation: a qualitative study among Dutch people with a low socioeconomic position. *BMC Public Health* 18, 443.

Smets, P., & Kusenbach, M. (2020). New Research on Housing and Territorial Stigma: Introduction to the Thematic Issue. *Social Inclusion*.

Takahashi, L. M., McElroy, J., & Rowe, S. (2002). The Sociospatial Stigmatization of Homeless Women with Children. *Urban Geography*, 23(4), 301-322.

Thomas G. M. (2016). 'It's not that bad': Stigma, health, and place in a post-industrial community. *Health & place*, 38, 1-7. <https://doi.org/10.1016/j.healthplace.2015.12.001>.

Valenta, M. (2009). Immigrants' Identity Negotiations and Coping with Stigma in Different Relational Frames. *Symbolic Interaction*, 32(4), 351-371.

Wacquant, L. (2007) Territorial stigmatization in the age of advanced marginality. *Thesis Eleven* 91.1, 66-77.

Wacquant, L. (2008) Ghettos and anti-ghettos: an anatomy of the new urban poverty. *Thesis Eleven* 94.1, 113-18.

Weitz, R. (1991). *Life with Aids*. New Brunswick, NJ: Rutgers University Press.

Zhuang, J., Cox, J., Cruz, S., Dearing, J. W., Hamm, J. A., & Upham, B. (2016). Environmental Stigma: Resident Responses to Living in a Contaminated Area. *The American behavioral scientist*, 60(11), 1322-1341.